

## عنوان مقاله:

تحلیل روایی داستان حضرت ایوب و الیاس در قرآن کریم بر پایه روش گریماس

## محل انتشار:

دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

مرتضی عرب - استادیار دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر

یدالله آقاعباسی - استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر

معصومه سبک دست - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر

## خلاصه مقاله:

روایت ها ابزاری قوی جهت انتقال مفاهیم می باشند که در متون زبانی به کار می روند، لذا قرآن کریم که یک متن زبانی می باشد به وفور از این تکنیک استفاده کرده است. وظیفه تحلیل این روایت ها بر عهده علم روایت شناسی می باشد که به کمک آن میتوان به جلوه های نوینی از روایت ها دست یافت. علم روایت شناسی سعی دارد با استفاده از بررسی ساختار روایت ها به دستور زبان روایت دست یابد. ارائه لانگ و دستور زبان روایت در نظریات گریماس مشهود است که پایه آن بر کارکردهای پراپ استوار است. وی اعتقاد دارد هر کنشگر روایت دارای یکی از شش نقشی است که در تقابل های دوگانه فرستنده-گیرنده، فاعل-مفعول و یاری کننده-بازدارنده قرار دارند. در این پژوهش داستان حضرت الیاس و ایوب از قرآن کریم انتخاب شده و با استفاده از روش گریماس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می دهد که داستان های حضرت ایوب و حضرت الیاس در قرآن کریم از الگوی ارائه شده توسط گریماس پیروی می کنند به این صورت که در هر دو داستان دیده میشود علاوه بر پاره های ابتدایی، میانی و انتهایی، نیروهای تخریب کننده و سامان دهنده وجود دارد که یکی داستان را دچار گسست کرده و دیگری این گسست را جبران می کند.

## کلمات کلیدی:

تحلیل روایی، روایت، داستان، حضرت ایوب، حضرت الیاس

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1118263>

